اطلاعات ۱۳۰۵
دوشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۲ ۹ شعبان ۱۴۴۵
۱۹ فوریه ۲۰۲۴ سال نود و هشتم * شماره ۲۸۶۱۱
ettelaatonline ettelaat.com

مقاله

الوان ناری و نوری در قرآن و عرفان /بخش دوم

گریز از تجسد و بازنمایی صور معقول و تجریدی در فرمهای تجسمی و تأکید بر سیر در طبیعت، رویکرد تازه‌ای در در هنر اسلامی ـ ایرانی پدیدآورد که ظهور شاهکارهای هنری از جمله نتایج آن است. در این میان تلاش هنرمندان ایرانی در رجوع به مبانی دینی، حکمی و عرفانی، هنرهایی آفرید که در فرم و محتوا، خود را مقید به پیروی و تبعیت از اصول دینی و فرهنگی می دانست. در این بخش دیدگاه علاءالدین سمنانی مرور می شود

دکتر حسن بلخاری
استاد دانشگاه تهران

مقاله
عرفانی ـ هنری

به غیر از آیه مذکور که آن هم به دلیل ظهور نمادین و نیز غلبه فاعلیت ناظر بر عینیت منظور، نار صفت نوری دارد، در بقیه موارد، نار صفت احراقی دارد و نور صفت اظهاری و به یک عبارت، همچنان که عرفا و حکما در این باب به تفصیل سخن گفته‌اند، «نور» اسم مُظهِر است که به واسطه آن، همه چیز ظاهر می شود. نکته مهم و بنیادی این است که وجود این معنا در قرآن، سبب گردید در قلمرو عرفان و سپس هنرِ متأثر از آن، الوان نوری و الوان ناری از هم متمایز گردند. پیش از بیان این معنا و شرح آن بر بنیاد «رساله نوریه» علاءالدوله سمنانی، ضروری است به تفسیر نور و نار در آرای شیخ شهاب‌الدین سهروردی (شیخ اشراق) و نوع رویکرد خاص او نگاهی بیفکنیم، از این رو که مهمترین فیلسوف نوری ایران است.

ب) نور و نار در آرای شیخ اشراق

حکمت شیخ اشراق بر بنیاد نور و مراتب آن قرار دارد. مراتبی که مصدر و منشأ اول آن «نورالانوار» و نورِ اولِ صادر از آن، یعنی «نور اقرب» یا بهمن است. شیخ اشراق از جمله حکمایی است که همچون افلاطونیان جهان را نسخه‌ای از جهان بالا می داند؛ یعنی هر جزئی از اجزای عالم یا موجودی از موجودات این جهان، صورتی از صور نوریهٔ عوالم فوقانی هستند. از دیدگاه او انوار ذاتی (چون عقول و نفوس) و انوار عرَضی (همچون خورشید، ستارگان و آتش) همه شریف‌اند، زیرا فروغ یا پرتو کوچکی از نور اعظم یا نورالانوارند. شیخ بنا به نظریه عکس که نار را جلوه نور می داند و نیز بنا به کارکردهای ویژه آتش در این عالم، برای نار شرافت قائل است. از دید او نار دارای کارکردها و صفاتی چون عالی‌ترین حرکت‌ها و تام‌ترین حرارت‌هاست. نار نزدیکترین عنصر به ذات حیات و همانندترین موجود به نور است و یار انسان در تاریکی‌ها و دارای تام‌ترین جلوه‌های قهر و جبروت. شیخ نار را برادر «اسفهبد» یا نور مدبر انسان‌ها می داند و نیز از جمله فرشتگانی که خلافت حق در زمین به واسطه او تمام می شود و دقیقاً از همین رو ایرانیان باستان به آن توجه می کردند و تمامی نورها را واجب‌التعظیم می دانستند.

صاحب رساله انواریه (در شرح حکمه الاشراق) در تفسیر این معنا می‌آورد: «چون آتش انوار از اجسام عنصریّه است، بنا بر آن ختم می کند فصل را به بیان کمالات او، و میل او به اجسام فلکیّه. و حرکت نمودن او به آن جانب ظاهر است که موجب شرافت او می شود، و زیادتی حرارت او نیز موجب شرافت اوست و استعانت، زیرا که حرارت موجب تلطیف است و قرب او به طبقه حیات به سبب حرارت اوست، و استعانت نمودن به او در تاریکی‌ها نیز ظاهر است که موجب غایت علّت است، و أشبه است از جمیع عناصر، [و موجب] شرافت او می شود. و آتش «اتمّ قهراً» است از عناصر دیگر؛ چه، لطافت موجب غایت علّت است و اشبه است از جمیع عناصر به مبادی عالیه از جهت نورانیّت. و اخوت به نور اسفهبد به جهت اشتراك اوست به نور اسفهبد از وجوده: یکی نورانی است، دویّم طلب مرتبه اعلی، سیّوم فیضان از عقل، چهارم اضائت عالم اجرام و ایثار نور بر غیر. و بدان که حضرت نور الانوار که خالق جمیع اشیاست، موجد عوالم متعدّده است و در عالم خلیفه معین نموده است که تدبیر آن عالم معوض به آن خلیفه است، و چنانچه عقل اول خلیفه عالم عقل است، و نفوس افلاك خلفای عالم افلاك، و نظایر آن خلفای عالم افلاك مثالی، و نفوس بشری و اشعه کوکبی در این عالم. ظاهر است که جمیع حوادث از آثار آن است و خلافت انسان در این عالم، ظاهر است و جمیع صناعات و علوم از نفوس انسان در این عالم [هم] ظاهر است. **انّی جاعِلٌ فی الأرضِ خَلیفَه و یا داوُدُ انّا جَعَلناكَ خلیفَه فی الارض** دلیل واضح است بر خلافت انسان در این عالم. و اما خلافت آتش در عالم، بدان سبب است که آتش روشن کنندهٔ تاریکی‌ها و نفخ و هذه اشیاء ...و به اصلاح آورندهٔ اغذیه فاسده است، پس حصّه‌ای از خلافت در وی هست و لهذا او را خلیفه صغری گفته‌اند. و از همین جهت که آتش أخ نور اسفهبد و خلیفه انوار و اشعه الهی است در عالم عبادت، حکمای فارس که صاحب شریعت بوده‌اند، توجه نمودند به او در اوقات عبادت.»(الهروی، ۱۳۶۳: ۱۱۱).

این رویکرد نشان می دهد در کنار رویکرد قرآنی، نگاه خاص حکمایی چون شیخ اشراق نیز می توانست مبنایی برای مفهوم نور و نار باشد؛ نگاهی که با رویکرد عرفانی، آتش را جلوه‌ای از جلوات نور الهی می دانست و این البته با برخی از آیات قرآن (ازجمله نارِ فروزانِ شجره کوه طور) کاملا ساز گار بود.

تمایز رنگهای نوری و رنگهای ناری در رساله نوریه

علاءالدولهٔ سمنانی (درگذشتهٔ ۷۳۶ق) که یکی از مهمترین عرفای ایرانی است و در نفی نظریه «وحدت وجود» ابن عربی شهرتی بسزا دارد و به عبارتی واضع نظریه «وحدت شهود» است، در تأمل و توجه عرفانی به نور و رنگ، ادامه دهندهٔ راه نجم‌الدین کبری (د ۶۱۸ق) است. سمنانی در رساله نوریهٔ خود که بیان سیر و سلوك منازل سالك است، از رنگها در تبیین منازل بهرهٔ بسیار می برد. لکن در نگاه نخست به نظر می رسد او متأثر از نگرش قرآنی و نظر حاکم بر اندیشهٔ اسلامی، الوان نوری و ناری را متمایز می گرداند. از دیدگاه او نار و الوانش پیش از حضور سالك در ساحت روح حضوری بارز دارند؛ اما پس از آنکه سالك، مسیر ملوّث و تلبیس گونهٔ نفس را واگذاشت و به ساحت روح رسید، در آنجا الوان نوری ظاهر می شوند.

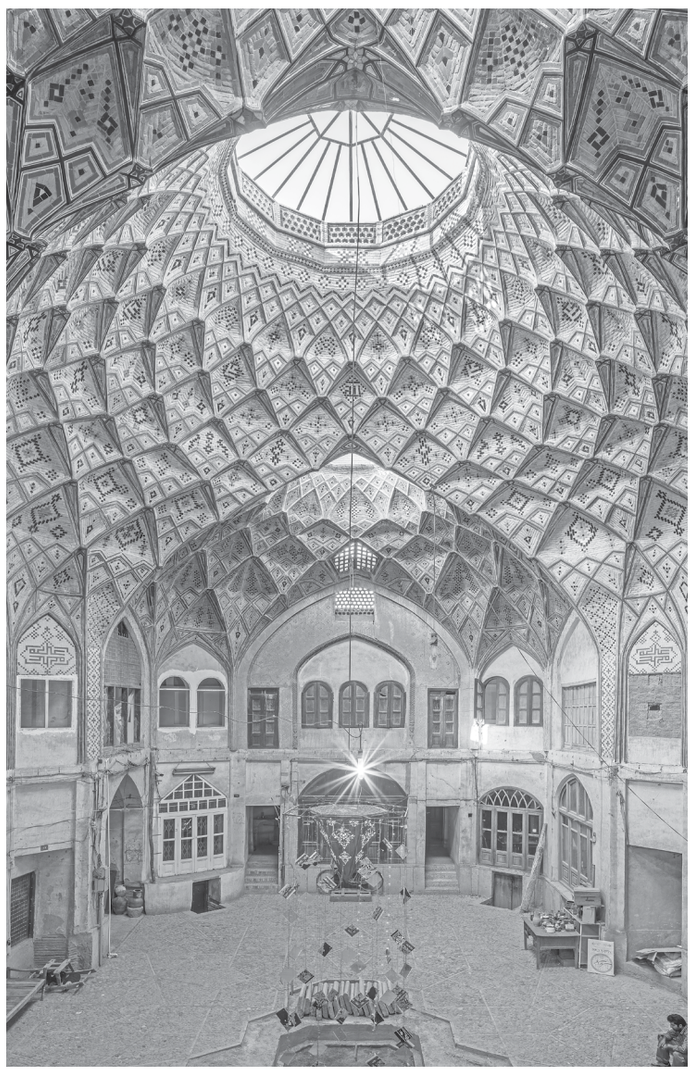

سمنانی در رسالهٔ نوریه ابتدا می نویسد: «نور چیزی را می گویند که او خود را ببیند و داند، و همهٔ اشیا را ببیند و داند، و بدو اشیا را توان دید و دانست. و این نور مطلق، صفت خاص حق است» (سمنانی، ۱۳۸۳: ۳۰۲)؛ سپس با تقسیم نور به نور ارادت ارضی و نور ولایت سماوی، هر دو صفت را از آن حق می داند. شاهد مثال او آیه «**الله نور السموات والارض**» (خداوند نور آسمان‌ها و زمین است) است که تصویر ولایت سماوی اوست و روایت «**اولیایی تحت قبایی لایَعرفهم غیری**» (دوستانم زیر قبای من پنهان اند و هیچ‌کس جز من آنان را نمی شناسد) که بیان نور ارادت ارضی اوست؛ زیرا «نور ولایت را که صفت خاص اوست، نتوان دید جز به نور ارادت که صفت ذات اوست» (همان). سمنانی سپس با تقسیم عالم در چهار سطح، برای هر کدام از این سطوح مصادیقی برمی شمرد:

- مصادیق نور در غیب انفس روح، سرّ، دل و نفس هستند
- در غیب آفاق، مصادیق نور ارواح ملك و جن هستند،
- و در شهادت انفس، نور باصره و قوای مدرکه مصادیق نورند،
- و نهایت در شهادت آفاق، آفتاب و ماه و ستارگان و چراغ و شمع و مشعله.

وی سپس به ظهور نار و نور در صورت الوان می پردازد که در مسیر سالك رخ می نمایند. سالك در سیر خود پیش از آنکه به مرحله تجرد و قطع علایق از جهان مادی برسد، با وجه ناری سر و کار دارد؛ همان که در آیات قرآن در قاموس عذاب و دوزخ، نقش و کاربردی گسترده و بارز دارد، در حالی که عارف با پشت سر گذاشتن این مرحله و ورود به ملکوت، با الوان نوری مواجه می شود. این دقیقاً همان تمایز میان معنا و کارکرد نار و نور در قرآن است که در متون عرفانی ما نیز ظاهر می شود، با این تفاوت که بنا به نسبت میان نور و رنگ، انوار در صورت الوان آشکار می شوند؛ رنگهایی که در بازتاب معانی مهمترین نقش را در آثار هنری به عهده دارند.

سمنانی سیر سالك و حضور آتش و رنگهای مکدّر و کبود در این مسیر را چنین شرح می دهد: «چون سالك روی از غیب و شهادت آفاق بگرداند و از شهادت انفس نیز اعراض کند و روی به غیب انفس آرد، اول پرده‌ای که در نظر او آید، پرده مکدر باشد که پردهٔ غیب شیطان است؛ چنان که آتشزنه کلمهٔ **لااله‌الاالله** را بر سنگ دل زند و آتش خفی که در وی تعبیه است، به ظهور آید و در حراقهٔ نفس افتد و به هیزم وجود او را مددی کند تا مشتعل شود، آن پردهٔ مکدر به کبودی نقل کند و هرچند آتش به قوّت‌تر می شود و هیزم وجود از نداوت لقمات حظوظی خشك‌تر می گردد، الوان صافی‌تر و دود کمتر می شود. و چون لقمات به کل از حقوق باشد، دود نماند و بویهای خوش به مشام رسد و الوان منور در نظر آید و مشاهدهٔ روحانی اتفاق افتد. این مجموع به برکت قوّت ذکر و رعایت لقمه از نداوت حظوظ ظاهر گردد. و اختلاط الوان سرخ و سپید و کبود و زرد و سیاه و سبز در این مقام، از قوّت آتش ذکر باشد، و ممکن که ذات ذکر از پس پرده‌ها بیرون آید، نعره برآرد، یکی همی گوید: مرد باید که در این مقام مغرور نشود که این مقام مبتدیان ذاکر است» (سمنانی، ۱۳۸۳: ۳۰۳).

پیش از رسیدن سالك به ساحت حقیقی معنا و نیز به دلیل تلبیس حاکم بر جهان ماده، ممکن است هر گونه ظهوری بر جان سالك فرود آید. ظهوراتی که در آن، آتش حق و آتش شیطان هر دو ظاهر می شوند: «دیگر آتشی که در طریقت بر سالك ظاهر شود، نامحصور است؛ اما آنچه از آنجا عبارت توان کرد، آتش حق است؛ و آتش ذکر است؛ و آتش عشق است؛ و آتش شوق است؛ و آتش شیطان است؛ و آتش غضب است؛ و آتشی است که وجود به نیت انسانی از آن مرکب است» (همان). و اگر سالك پیری برنگزیند که به واسطه او بر این تلبیسات فائق شود، چه بسیار که فریب شیطان خورَد و ابلیس چه تصرف‌ها که در جان و دل او نکند: «تمییز میان هر یکی از این آتشها، به علامات طریقت توان کرد و مبتدی را بی ارشاد شیخ، به تمییز آن مشغول نتوان شد که مبادا شیطان از راه القا، در نفس تصرف کند و نفسِ طفل صفت در دام غرور افتد و از سلوك بازماند. بر مرید واجب است هر چه بیند، به حضرت شیخ عرضه می دارد تا شیخ تعبیر واقعات و تمییز مشاهدات بیان می فرماید» (همان).

حال اگر جان و دل و نفس به تمامی از گناهان پاك شود و هر گونه پلیدی از مملکت جان سالك رخت بربندد، در این هنگام، نور نفس ظاهر می شود و این آغاز فروزندگی طریقت به دلیل ظهور مطلق نور است. لیکن به دلیل آنکه در پس ظهور هر نوری، رنگی ظاهر می شود و از این رو که این منزل نخستین منزل نوری است، رنگی که ظاهر می شود، کبود خوش رنگ است: «بعد از این چون وجود ملطخ به لقمات حظوظی و ملوث به قاذورات معاصی به کل سوخته گشت و به سبب آتش ذکر، فنا حاصل آمد، نور نفس به ظهور آید و پردهٔ کبود خوش رنگ باشد» (همان).

سمنانی مستند به آثار دیگر خویش که افلاك هفتگانه را با اندام هفتگانه انسان پیوند داده و به تعبیری هفت مرحلهٔ نزول انسان از فلك‌الافلاك یا جان جهان تا عوالم اسفل را با عناوینی چون لطیفهٔ قالبیه، لطیفهٔ نفسیه، لطیفهٔ قلبیه، لطیفهٔ سرّیه، لطیفهٔ روحیه، لطیفهٔ خفیه و لطیفهٔ حقیقه با هفت پیامبر چون آدم، نوح، ابراهیم، موسی، داود، عیسی و پیامبر اسلام (علیهم السلام) پیوند می دهد و سپس هفت رنگ را به عنوان عوامل تمییز این منازل وجود برمی شمرد که در آن،

رنگ «لطیفهٔ قالبیه»، سیاه و تاریک است؛
«لطیفهٔ نفسیه»، آبی؛
«لطیفهٔ قلبیه» سرخ عقیق؛
«لطیفهٔ سرّیه» سبز آمیخته با سفید؛
«لطیفهٔ روحیه» زرد؛
«لطیفهٔ خفیه»، سیاه روشن یا اسود نورانی؛ و
«لطیفهٔ حقیقه محمدیه» سبز درخشان.

ادامه دارد

استان اصفهان
بازار کاشان
تیمچهٔ بخشی

عکس: اینترنت

به واسطه اسم «نور»، همه چیز ظاهر می شود و وجود این معنا در قرآن، سبب گردید در قلمرو عرفان و هنرِ متأثر از آن، الوان نوری و الوان ناری از هم متمایز گردند. حکمت شیخ اشراق بر بنیاد نور قرار دارد و بنا به کارکردهای ویژهٔ آتش در این عالم، برایش شرافت قائل است و آن را همانندترین موجود به نور و دارای تام‌ترین جلوه‌های قهر و جبروت می داند. ایرانیان باستان نیز از همین رو به آن توجه می کردند و تمامی نورها را واجب‌التعظیم می دانستند

یادداشت های روزانهٔ جلال آل احمد

به کوشش محمدحسین دانایی

بخش نود و هشتم

از نائین که درآمدیم، تقریباً رو به جنوب می رفتیم و همه‌اش هم سرازیر، و دیگر اینکه امارات و نشانه های راه‌آهن تا اردکان وجود داشت، حتی ایستگاه آنجا و حتی از زیر یک پل بزرگ گذشتیم در نزدیک آن، والخ.

در وسط دشت هر جا یک تکه کوه بود، آبادی متناسبی بآن در پایش. امکان جمع شدن آب باران در کوهی یا سنگی، یعنی یک آبادی در این مملکت به وسیلهٔ چند رشته قناتی و همین، وگرنه چشمه کوچکی یا رودخانه‌ای سیلابی و مزرعه‌ای پای آنها و بسته به آنها.

۴/۵ بعدازظهر رسیدیم به یزد. حمام پارس پنج تومان دادیم، در عمومی. در «اتو بنز»[1] اطاق گرفتیم که شب اصلاً تا ۱۲ نشد بخوابیم، از سروصدای ماشین و بعد هم یک دعوای مرتب و مفصل به پا شد، نصف شبی، به روزی یا شبی شش تومان. بعد از حمام راه افتادیم به کشفیات. وسط میدانی که فقط دو راه داشت، ساعتی بود بلند و برجی و زنگی. معلوم شد ساعت «مار کار»[2] است و مدرسه مانندی بغل آن و برو بیائی. ما هم سر کردیم، جشن چهارشنبه سوری بود. و «حکمت» [مرتضی] را از دور شناختم، «حکمت یزدی» آقامعلم سابق و دادگستری چی فعلی یزد را.

مدرسه و برج ساعت با یتیم‌خانه و کودکستان و غیره و باغی بزرگ و تأسیساتی همه از یک مردکه گبر (پَشوتَن جی مار کار).

بعد مسخرگی های چهارشنبه سوری بالهجهٔ یزدی. مسابقه ماست خوری که شد و قهرمانان روسفید رفتند، بچه های دیگر آمدند و ماستهائی را که روی زمین ریخته بود، از دست و سر و صورت آنها با انگشت پاک می کردند و نوش جان! و بچه ها حتماً بچه های رؤسا بودند. جزو جوایزی که پخش کردند، دویست تائی نقشهٔ امریکا بود که حتماً به خودشیرینی این مردکه «خیابانی» رئیس فرهنگ کوفتی شان وارد شده. یکی از افسرهای شهربانی نقشه می خواست، تمام شده بود. ناچار برایش از دست یکی از بچه ها کشیدند بیرون که: «برایت کتاب قشنگ عکس دار می آوریم» و آوردند و شیر به پستان دیگر بچه ها آمد و همه حاضر بودند نقشه را بدهند و کتاب بستانند و رؤسا هم که همه مایل به داشتن نقشه امریکا بودند.

چهارشنبه ۲۸ اسفند ـ ۳ بعدازظهر ـ یزد

امروز صبح با دوچرخه دور شهر را گشتیم. در غیاب ما، مأمور شهربانی آمده است که: «این آقایان نکند از شهر عکس بگیرند بی اجازهٔ ما» و از این حرفها و ما نبوده‌ایم، گفته است بعدازظهر می آید و آمد و دیدیمش. یک استوار دراز «پهلوان چی چی» نام و همان حرفها را محترماً تکرار کرد که: «بله، به شهربانی برویم» و ما هم اسم و رسم «حکمت» را به رخش کشیدیم و دادگستری و غیره را. یک عکس هم نمی شود گرفت، این است آزادی مملکت ما! و جالب این است که وقتی با دوچرخه توی شهر می گشتیم و عکس می گرفتیم، یکی از بچه هائی که دنبالمان می دویدند، گفت: «های، های، انگلیسی ها!» و من به خنده و شوخی گفتمش: «ای بی غیرت، خودتی انگلیسی!» پیداست که خارجی ها زیاد از این کارها می کنند و بی هیچ مزاحمتی!

اول صبح که چرخ گرفتیم، رفتیم مسجد جامع با مناره های بلندِ فرستنده مانندش عکسهائی گرفتیم و به یارو که دنبالمان آمد و از همان حرف و سخنهای قدغن کننده، یک دانه یک تومانی نوادیم و راه افتادیم از سمت شمال رفتیم تاآخر شهر، بعد پیچیدیم توی محله های شرقی، یعنی شمال شرقی که شَعرباف ها بودند. به چندتائی از دکه ها سر کشیدیم و عکسهائی هم گرفتیم. اطلاعاتی که ازشان گرفتیم، مجموعاً عبارت بود از این که:

در یزد در حدود ۲۰ هزارنفری شَعرباف اند، دستی و در دکه هائی که با درِ کوچک پَستی به کوچه باز می شود و باید دولا و سه‌لا بشوی و از آن بروی تو، درست اندازهٔ دریچه هائی که در کوچه های اصفهان هست و از آن، کثافات مستراح ها را می برند. آنجا کثافت از این سوراخی ها می برند و اینجا بهترین پارچه های دستباف را.

می گفتند که هر کارگری در حدود روزی پنج ـ شش متر تا هفت متر (به قول خودشان «گز») می بافند و مزد هر گز، فقط شش ریال است (خودشان به سختی و بادقت همه جا «ریال» می گویند). به این طریق، مزد متوسط یک شَعرباف، ۳۰ تا ۴۰ ریال است. کسانی هم هستند که دستگاه های خودشان را دستکاری کرده‌اند و با مختصر بندی که به آن بسته‌اند، ماسوره را ماشینی مانند لای تاروپود می دهند و تا روزی ۱۰ گز هم می بافند؛ ولی اینها کمترند. در یک کارگاه که شش تا هفت دستگاه داشت، فقط سه تا این جوری بود که البته با نخ مِرسِریزه[3] هم کار می کردند و پارچه های یک‌پوده را.

دیشب که راجع به همین مطلب با «حکمت» حرف می زدیم، او تا روزی ۲۵ ریال حد وسط مزدشان را می دانست و معتقد بود که اغلب دعاوی دادگستری، اولاً، از نوع جزائی[4] است و بِکُش و بِکُش و قتل و جنایتی پیدا نمی شود و ثانیاً، اغلب این دعاوی جزائی[5] هم از نوع ترک انفاق است و وقتی پیشنهاد صلح می کنند، زنها حاضرند روزی سه تا نان و ۲/۵ سیر قند و چای و همین قدر گوشت بهشان برسد و رضایت بدهند و به خانه شوهر برگردند و همین قدر هم فراهم نیست برای یارو که بر علیهش دعوا اقامه شده!

یک جای دیگر سَر کردیم که به نظرمان آمد، کار گاه رنگرزی است، چون روی بامش کلاف های بزرگ آبی رنگ باد داده بودند؛ اما باز شَعربافی بود و یک زن پشت دستگاه بود که با دیدن ما، نیمچه فریادی منع کننده کشید و فقیر پا سست کرد و از مردانه شان پرسید و او گفت که: «ما زنانه‌ایم و یک مردانه بیشتر نداریم که او هم نیست» و ناچار برگشتیم.

دیگر اینکه در محلهٔ «مالمیر» از قلعهٔ کهنه هم دیدن کردیم و عکسهائی گرفتیم، و از پیرزنی که عیدی می خواست، اطلاعات ناقصی گرفتیم. فقط دیوارهای شمالی این قلعه کهنه با خندق اطرافش باقی مانده و به قول پیرزنک که در جواب سؤال ما می گفت «خانه و بنچه» و خیال می کرد نمی فهمیم، معلوم شد پشت دیوارها، یعنی طرف جنوب آنها، خانه و بنگاه هست.

از قبرستان کهنهٔ شمالی شهر هم گذشتیم، قبر آخوند و قبر حاج لطفعلی دو قبرستان مجاور. در میان شهر هم قبرستان های دیگری هست که از دور دیده‌ایم و هنوز درست سری به آنها نزده‌ایم.

دیگر اینکه سر راه توی کوچه پسکوچه ها، غیر از آب انبارها، پلکان های عمیق و گودی هم دیدیم که پیدا بود به سردابی یا قناتی می رود. از دو تای آنها پائین رفتیم، اولی که پیدا بود آب دارد و صدا از ته آن می آمد، باز زنانه بود. دو تا زن لب آب توی نیم‌تاریکی آن ته، چیزی می شستند و ناچار برگشتیم و دیگری که کسی در آن نبود و خرابه مانند بود، آب نداشت، و بوی شا... و کثافت، و ته جوی آب، خاک و گِل ریخته. سؤال کردیم، معلوم شد اسم آن «جو شیرین» است که فعلاً خشک شده.

جوهای دیگر یزد از این قبیل عبارتند از: «جو زارچ»، «جو جیبه» (جیوه؟) دو تا، «جو رحیم‌آباد» و دیگر جوها، که قرار است یک عدد مقنی باشی را «حکمت» بگذارد دم دستمان ازش اطلاعاتی بگیریم.

در اینجا آخوندها هم سوار چرخ می شوند. دیگر اینکه زنها چادرشب به سر می کنند و کمتر توی کوچه و خیابان اند، البته ما در پسکوچه ها زیاد دیدیم. و اولین مطلبی که دیشب «حکمت» به رخ ما کشید، این بود که اگر یک زن محلی با یک اجنبی سر و سرّی داشته باشد، پوست طرفین را می کنند. چون صاحب عهدوعیال از همین شهر می شود، خیال کرده بود همهٔ دخترها و زنها، خواهر و مادر خود او هستند و نیز خیال کرده بود ما این همه راه را آمده‌ایم که با زنهای چادرشب پیچ یزدی دَدر برویم!

دیگر اینکه یزد سینمای محلی ندارد، جز تابستان ها، آن هم به علت اینکه تابستان سالون سرپوشیده نمی خواهد، و همان تابستانه را هم یک مرد بدنام (به قول «حکمت») اداره می کند.

ادامه دارد

پی نوشت ها:

۱. اتو بنز، شرکت مسافربری که در بالاخانه های گاراژش اتاق هم به مسافران اجاره می داد.
۲. مار کار، ساعت بزرگی در میدان مار کار یزد که به خاطر نام بانی آن، یعنی «پشوتن جی دوسابایی مار کار»، به ساعت مار کار مشهور است.
۳. مرسریزه، نخی است از الیاف کوتاه تابیده شدهٔ پنبه که برای افزایش درخشندگی و استحکام آن تحت اثر سود سوزآور قرار گرفته است.
۴. منظور دعاوی حقوقی است.
۵. ایضاً.

آگهی جذب نیروی انسانی

شرکت کشت وصنعت زرین خوشه اراک در نظر دارد به منظور تأمین نیروی انسانی مورد نیاز خود به شرح ذیل اقدام نماید. لذا از متقاضیان درخواست می گردد جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام حداکثر تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ به نشانی: اراک، کیلومتر ۷ جاده تهران مراجعه یا با شماره تلفن ۰۸۶۳۳۵۴۶۹۸۱ تماس حاصل نمایند.

ردیف	عنوان شغلی	سن	مدرک تحصیلی	جنسیت	تعداد	شرایط احراز عمومی
۱	کارگر کشاورزی (واحد کشاورزی اراک)	حداکثر ۳۰ سال	دیپلم	مرد	۲ نفر	*تابعیت جمهوری اسلامی ایران *التزام به قانون اساسی و دین مبین اسلام *کارت پایان خدمت یا معافیت (به غیر از پزشکی) *نداشتن محکومیت کیفری *داشتن سلامت جسمی، روانی و ویژگی های شخصیتی در حد نیاز شغل *دارابودن روحیه انقلابی، ارزشی و جهادی *کسب تأییدیه حراست و گزینش
۲	راننده ماشین‌آلات (واحد کشاورزی ایوانکی)	حداکثر ۳۰ سال	دیپلم	مرد	۱ نفر	

امید حسینی مدیرعامل و عضو هیئت مدیره شرکت کشت وصنعت زرین خوشه اراک

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده شرکت ریل پرداز سیر (سهامی عام) شماره ثبت ۳۵۳۳۹۸ شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۰۸۴۸۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت ریل پرداز سیر (سهامی عام) دعوت می گردد درجلسه مجمع عمومی فوق العاده که در روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۰ ساعت ۱۰ صبح در محل: تهران - خیابان ولیعصر (عج) بالاتراز تقاطع شهید بهشتی نبش کوچه دلبسته پلاک ۲۱۴۱ هتل سیمرغ سالن ماهور برگزارمی گردد، حضور به هم رسانند.
از صاحبان سهام یا وکلا قانونی ایشان دعوت می گردد برای دریافت برگ ورود به جلسه، با همراه داشتن کارت ملی و یا وکالتنامه رسمی در روز چهار شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۹ به آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از خیابان بهشتی، خیابان ۱۸ پلاک ۲۰ ضمنا جهت رفاه حال سهامداران برگه ورود به جلسه مجمع عمومی فوق العاده در روز برگزاری جلسه و قبل از شروع آن نیز در محل برگزاری مجمع توزیع میگردد. لازم به ذکر است امکانات سایت و سایر روش های الکترونیکی، از طریق آدرس صفحه رسمی شرکت ریل پرداز سیر در آپارات به نشانی https://www.aparat.com/rpseir/live امکان مشاهده مستقیم جلسه مجمع عمومی فوق العاده به صورت زنده فراهم شده است. ضمناً از کلیه سهامداران محترمی که از طریق فضای مجازی برگزاری این مجمع را دنبال می کنند کمال تشکر را داریم.

دستور جلسه:
تصمیم گیری در خصوص افزایش سرمایه
سایرمواردی که در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده باشد

هیات مدیره شرکت ریل پرداز سیر (سهامی عام)

آگهی دعوت از سهامداران جهت حضور در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه

بدینوسیله به استحضار می رساند جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه **شرکت پلی اتیلن گستران البرز (سهامی خاص)** به شماره ثبت ۳۶۵۱۹۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۱۰۲۲۳۴ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۰ راس ساعت ۰۸:۳۰ در محل شرکت به نشانی: یونک، بلوار فلاح زاده (همیلا)، پلاک ۳۸، مجتمع تجاری اداری همیلا سنتر، طبقه یازدهم، واحد ۱۱۱۱ تشکیل می شود. لذا از آن شرکت محترم درخواست می گردد تا نسبت به معرفی نماینده تام الاختیار خود جهت حضور و اتخاذ تصمیم در جلسه فوق الذکر اقدام فرمایند.
*استماع گزارش فعالیت هیات مدیره به مجمع عمومی در خصوص عملکرد شرکت برای سال مالی منتهی به ۳۰ دی ماه ۱۴۰۲
*استماع گزارش بازرس قانونی و حسابرس مستقل در خصوص عملکرد شرکت برای سال مالی منتهی به ۳۰ دی ماه ۱۴۰۲
*بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به تصویب صورت های مالی سال مالی منتهی به ۳۰ دی ماه ۱۴۰۲
*بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به تصویب معاملات با اشخاص وابسته موضوع ماده ۱۲۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
*انتخاب بازرس قانونی اصلی، علی البدل و حسابرس مستقل شرکت و تعیین حق الزحمه ایشان برای سال مالی منتهی به ۳۰ دی ماه ۱۴۰۳
*انتخاب روزنامه کثیرالانتشار برای درج و نشر آگهی و اطلاعیه های شرکت
*تعیین حق حضور اعضای غیرموظف هیات مدیره و نحوه جبران خدمات اعضا
*سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه باشد.

هیئت مدیره

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده (نوبت دوم)

شرکت توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی فراست (سهامی عام) به شماره ثبت ۳۵۶۰۴۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۵۴۹۰۰

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی فراست (سهامی عام) و یا نمایندگان قانونی آنان دعوت می شود با توجه به اینکه جلسه اول مجمع عمومی این شرکت در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ بدلیل عدم حد نصاب حاضرین به نتیجه نرسیده است، در جلسه نوبت دوم مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده که رأس ساعت ۱۱ الی ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ در محل انجمن صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی ایران به آدرس: تهران، شهرک قدس، بلوار فرحزادی، خیابان ایوانک، خیابان فلامک شمالی، کوچه دوم، کوچه قفنوس، گذر اردیبهشت، شماره ۱۲ با دستور جلسه زیر تشکیل می گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱) استماع گزارش هیأت مدیره.
۲) استماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی شرکت.
۳) تصویب ترازنامه و حساب سود (زیان) عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۱/۱۲/۲۹
۴) تعیین روزنامه های کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت.
۵) تعیین حسابرس و بازرس قانونی شرکت.
۶) سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده باشد.

هیأت مدیره شرکت توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی فراست

قابل توجه شرکت های آسانسوری

مجتمع سعدی در شهرک غرب تمایل به بازسازی ۸ دستگاه آسانسور OTIS قدیمی خود دارد.
شرکت های توانمند می توانند رزومه کاری خود را حداکثر ظرف مدت یک هفته به آدرس پست الکترونیکی tender@saadibuilding.ir ارسال نمایند.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده انجمن علوم و فناوری های شیمیایی ایران ثبت شده به شماره ۳۹۶۹۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۱۸۷۶۸۵

بدین وسیله از کلیه اعضای پیوسته انجمن دعوت به عمل می آید در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده انجمن که روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۵ ساعت ۱۰ صبح در محل سالن همایش های دانشگاه پیام نور به آدرس: تهران - مینی سیتی، بلوار ارتش، خیابان نخل، سازمان مرکزی دانشگاه پیام نور تشکیل می گردد، حضور به هم رسانند.
دستور جلسه: (۱) گزارش عملکرد سالیانه انجمن (۲) گزارش بازرس انجمن (۳) تصویب تراز مالی سال ۱۴۰۱ (۴) تصویب سند راهبردی ۵ ساله و سند اجرایی سالیانه (۵) تصویب سند و برنامه اجرایی تجاری سازی و استارتاپ ها

هیات مدیره انجمن

شرکت توزیع نیروی برق استان البرز آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
(نوبت اول)

شماره مناقصه شماره فراخوان در سامانه ستاد	موضوع مناقصه	قیمت پایه مناقصه	تضمین شرکت در مناقصه	تاریخ بازگشایی پاکات
۱۴۰۰۲۶۵۸ ۲۰۰۲۰۰۵۲۲۱۰۰۱۵۸	اجرای طرح پست زمینی جاهد سراوانی در منطقه برق مهرشهر	۱۴/۰۵۶/۵۹۲/۲۰۸	۱/۴۰۶/۰۰۰/۰۰۰	۱۴۰۲/۱۲/۲۰ ساعت ۱۴/۰۰
۱۴۰۰۲۶۵۹ ۲۰۰۲۰۰۵۲۲۱۰۰۱۵۹	اجرای طرح تامین برق پست زمینی حبیب پور منطقه برق مهرشهر	۱۶/۲۱۳/۶۱۲/۱۵۲	۱/۵۳۶/۰۰۰/۰۰۰	۱۴۰۲/۱۲/۲۰ ساعت ۱۴/۳۰

۱.دستگاه مناقصه گزار: شرکت توزیع نیروی برق استان البرز
۲.شرایط لازم: شرکت های دارای رتبه بندی معتبر از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (حداقل رتبه ۵ نیرو) و گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی
۳.مهلت خرید و محل دریافت اسناد مناقصه: متقاضیان می توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۱ لغایت ۱۴۰۲/۱۲/۰۷ با مراجعه به در گاه www.setadiran.ir نسبت به خرید و دانلود اسناد اقدام نمایند.
۴.قیمت پایه مناقصه: به شرح فوق می باشد.
۵.مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: به شرح فوق و مبلغ مندرج در اسناد مناقصه می باشد که مناقصه گران بایستی سپرده مذکور را به صورت ضمانتنامه بانکی یا فیش بانکی واریزی به حساب شماره ۰۱۱۰۸۹۶۸۷۸۰۰۲ نزد بانک ملی شعبه آموزش و پرورش کرج و یا چک بانکی